روایتی از جایگاه ممتاز و دست نیافتنی مولای متقیان

# على(ع) شبيهترين به پيامبر <sup>(ص)</sup>

على (ع) براي همه ما شخصيتي جاودانه ومنحصربه فرد است. به نظر می رسد که علاوه بر آنچه در منابع مختلف درباره او و جهان بینی عمیقش به رشته تحریر در آمده، شناخت ایدئولوژی مردم آن زمان و جریانهای حاکم بر جامعه نیز به شناخت بهتر او که مظهر انسان کامل بود، کمک می کند. به همیت منظور از دکتر محمد حاجی تقی، عضو هیأتعلمی دانشگاه شهید بهشتی درباره زمینت تاریخی خلافتو شهادت امام على (ع) پرسيديم.

#### • واقعه سقیفه و شکل گیری خلافت اسلامی، بەرغم غدیر خم، مولود چــه جریان هایی در میان امت اسلامی بود؟

پژوهشـگران این حوزه در توجیه وقایع پس از رحلـت پیامبــر(ص) و شــکل گیری خلافت اسُلامی، منطق نهفته در پس ساختار اجتماعی - سیاسی قبایل عرب در شبه جزیره عربستان آن روز گار را مور د برر سے قرار می دهند و توجه ویــرُوای به قبیله قریـش معطــوف می دارند تا دریابند که سـاختار قدرت و مناسبات سیاسی و اُجتماعی در میان تیرههای قریسش از چه منطقی تبعیت می کرده است؟ عدهای که رجسته ترينشان «محمد عابدالجابري» است ر. اعتقـاد دارند که منطـق درونی قبایـل عرب و نظامی که قریش برای اداره مکه ایجاد کرده بود، پس از وفات پیامبر نیز در جامعه اسلامی ادامه یافت و رویداد سقیفه و خلافت اسلامی را پیامد چنین منطقی میدانند. بر این اساس، قریش پ یں ۔.. نمیخواست هم نبوت و هم خلافت در بنی هاشم متمر کز شود، بلکه درصدد توزیع قدرت بود. در ن دوران، قریــش از موقعیت ممتـــازی در بین نی دوری، طریستی از موسیه مستری در بین قبایل عرب مکه برخوردار بود، به قول ابوبکر در سقیفه «اوسـط العرب الدارا» در کانون قبایل عرَب قرار داشت. عمده قدرت قریش در بین دو تیره عبد مناف و عبدالدار تقسیم شده بود. در جریان توزیع قدرت در خودعبد مناف رقابت بین بنی امیه و بنی هاشم همواره جریان داشت و این بناسبات در قالب پیمان هایی مثل «لقعه الدم» یا «حلف المطیبین» میان قبایل تثبیت و توزیع شده بود. تصور قریش این بود که اگر پس از نبوت بیامبر، قدرت سیاسی، تمام و کمال در بنی هاشم متمر کز شــود، تــوازن قدرت در قریــش از بین رفته و فاقد انسجامی می شُـود که لازمه اقتدار آن است. با توجه به دشـمنی طایفههای اصلی قریش با پیامبر یعنی بنیامیه و بنیمخزوم، خلاموجود زمینه را برای فعالیت تیرههای کم اهمیت لیکن باسابقه در اسلام فراهم کرد. انتخاب ابوبکر، از تیره کهاهمیت بنی تمیم حتّی بنی امیه را به اعتراض واداشت. ابوسفیان، رئیس طايفه و خالد ابن سعيد ابن عاص اموى از جمله ... کردنــد، چراکه بر ایــن باور بودند که شایســته نیست قدرت در دست یک تیره ضعیفاز قریش

قرار گیسرد. اما علسی(ع)، بر این بساور بود کسه مدینه در برابر جریان خطرناک «رده» نیاز به انسـجام درونی دارد و مصلحت امـت در مصالحه و بیعت با ابوبکر است. لذا با رد درخواست مُعترضان شعلُه منازعات را به سود اسلام خاموش کرد. بنیامیه در این شرايط بايك جرخش سريع سیاسی به سمت ابوبکر رفته و در قدرت سیاســی فعالانه ىشاركت كردند. خلىفه اول و دوم میاندیشــیدند بعد ا ين كه نبوت سهم بني هاشم " شـدواین شـرافت و بزرگی برای بنیهاشم ماند و آنها را طبقه ممتاز قبایل عرب کرد، نبایداجــازه دهند که قدرت

بنی هاشم از این فراتر رود. از این رویس از پیغمبر قدرت را در بدنه قریش و دیگر قبایل تقسیم کردند و این کلیت چیزی است که مورخان در ے ۔ پیری سست به مورحان د توجیه سُقیفه نگاشتهاند.اما این اتفاق بابر داشتے که شیعه از امامت دا. د ، اتفاق .. شیعه از امامت دارد و اتفاقی که در غُدیر خم و انتخاب علی (ع) به امامُـت امت افتادُ، در تَضادُ بود و منشــاً اختلافی شــد که بعدها به تشکیل شیعی و سنی انجامید. نظام خلافت نوبنیاد فاقد ها و ساختارهای لازمی بود که در خلاً ناشك از نبود پيامبر كه از طريق وحي هدايت می شد، بتواند روابط خلیفه و امت را سامان دهد و انحرافات را به حداقل برساند. زندگی ورب و نظـام قبیلهای، تجربه دولت, انداشـت.

لذا اشکالات متعددی پیش آمد و نبود ابزارهای نظارتی مشکلاتی ایجاد کرد که قتل خلیفه سوم و فتنه های دوره خلافت امام علی (ع) از جمله پُیامدهای آن بود. • مردم آن زمان درباره ماهیت خلافتی که

پیش آمده بود، چه تصوری داشتند؟ ب کردی به جز بنی هاشم و افرادی مثل عمار یاسر، مقداد، ابوذر غفاری، بلال، صهیب رومی و .. که از

مستضعفين اصحاب بودندو طلحه و زبير كه جزو اشراف محسوب مى شدندو ابوسفيان و خالد ابن وليد و سعيد ابن عاص كه حمايتشان از خلافت مام، سیاسی بود نه عقیدتی، بقیه با ابوبکر کردند و خلافت او را پذیر فتند. این خلافت در باوُر ایشاُن جانشینی پیامبُر در اداره دین و دنیای مردم بود، لذا خلافت راشد و خلفا راشدین نامیده باور ایشان جانشی شدند البته ابن به استثناء نگ ش شبعه است. ۶ ماه بعد از رویداد سقیفه و پس از شهادت حضرت فاطمه(س) آینان نیز بیعت کردند لیکن همین حوادث نضج مذهب شیعه را در پی داشت. • مواضع اصام علی (ع) در قبال خلفای

سەگانەچەبود؟ سه دانه چه اود: در مدت دو سال و اندی خلافت ابوبکر هنوز ساختارهای قبیلهای عرب دچار تحول نشده بود. در حالی که در دوره زمامسداری عمر فتوحات تا مصر و خراسان پیشرفت کرد و دو امیراتوری را زیر نفوذ خود گرفت و با مردم، فرهنگ، رسوم و نظامهای سیاسی - اجتماعی متنوعی روبهرو شــد.اعراب در بین اقوام پراکنده شدند و افرادی از اقوام گوناگون به میان اعراب آمدند. زمامداری بمریک دوره نسبتا طولانی با پیامدها و تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی شدید در جزیره حســوب مىشــودو ثروت زيادى از اين ممالک را به مدینه سرازیر کرد و باعث تشکیل دیوان توسط عمر شد. روشی که عمر در تقسیم بیتالمال اتخاذ کرد، بر مبنای مساوات نبود، بدین معنی که سبقت در گرویدن به دین اسلام و نیز شرافت و نسبت قبایل را با پیامبر مبنا قرار ناد. به این شکل که زنان پیامبر بیشترین سهم را از بیتالمال می گرفتند و در درجه دوم بنی هاشم سیس دیگران به تر تیب سیقت و حضور در وسپس عامرای برعاب سبت و رسور مر جنگهای بدر و احدو ... قرار داشتند. این امر درواقع مساوات طلبی اسلامی را به چالش کشید. • آیا همین مسله آغاز شکل گیری نظام

طبقاتی در جامعه آن زمان عرب بود؟ دقیقا، اشرافیت به واسطه این سیاست شكل گرفت كه بعدها همين اشرافيت مشكل ساز شد. عبدالر حمان این عوف، سعد این ایے وقاص، . ر ر بی این ر بی این ر طلحه و زبیر ابس عوام ثروت کلاتی داشــ بعدها با تکیه بر آن داعیه دار قدر ت سیاسی ، معت و ربیر ایس عوام تروی کارتی داشتند و بعدهابا تکیه بر آن داعیدار قدرت سیاسی شدند و نقش مهمی در منازعاتی مثل جنگ جمل و صفین ایف کردند. البته عصر در اواخر عمرش حساس کرده بود که ثروت عظیمی که در ىع شــده، خطرناڭ و بحران ساز است. لذا چندين بار سعى كرد كُه ثروتُ قريش راً از آنان بگیرد. به همین دلیل امـوال آنها را مصادره کرد و اجسازه نداد اصحاب و بسزر گان قریش از مدینه خارج شـوند و املاک و سپاه

علی(ع)در اجرای حدود

الهى مسامحه نداشت. به

. اصول مورد قبول خود،

عميقامعتقد بودو در مورد

باورهایشبه هیچٌ قیمتٌ حاضر به مصالحه نمی شد.

انعطافش در قالب بخشي از

دین شکل می گرفت. دین اسلام در ذات خود،

واقع گراست و به مقتضای زمان عمل می کندوعلی(ع)

از همین در بچه به دین نگاه

می کردو به همین دلیل از

فوارج وجريان هاى ظاهرى

متمايزبود

وسیع بـرای خود تـدارک ند. عـدهای اعتقاد دارند ... که همیــن کارهایی که عُمر بر ضــد اشــراف انجــام داد، بر صده سر باعث قتلتش شد. در دوره استهایی که به انباشـت ثروت در دس نریش میانجامیسد، تقویت ئىد و قريش بهترين املاک ر ربا ۱۳۰۰ ربای دولت سرزمینهای اسلامی را به خود اختصاص داد. امام على(ع) بــا اين سياســتها

مخالف بودند. • کـدام بخـش از آموزههای اسلامی در تحولات سیاسی، اجتماعــی، اقتصــادی آن دورہ نقش اساسے داشہ ے۔ عبار تی کــدام آموزہھا به

مسائل قرن اول هجري تبديل شد؟ فکر می کنم امر به معروف و نهــی از منکر در رأس ایــن آموزههــا بــوده اســت. در آن زمان، سلمانان امر به معروف و نهی از منکر را مانند نماز و روزه بر خود فرض می دانستند. این سخن بدین معنی نیست که ما امروز چنین تصوری تداریسی، ما هم امر بــه معروف و نهــی از منکر را فریضه میدانیم. لیکن مقصود غالب جریانهای اسلامى از اين فريضه قيام عليه حاكميت سياسي بوده است. این تصویری بود که از این فریضه در ذهن مســـلمانان وجود داشـــت، بهخصوص که بعد از پیامبر دیگر به خلیفه وحی نمی شد و او از عصمت برخوردار نبود و امکان انحراف خلافت

وجود داشت. مسلمانان به خلیفه بهعنوان هدایتگروراهنمایینگاهمی کردند که قافله سالار امت بود. اگر خلیفه دچار انحراف و ظلم می شد، درواقیع امت به بیراهه می رفت د چار تباهی می شد و به سرمنزل رستگاری نمی رسید و در نقطه مقابل، اگر خُلیفه راه را دُرست برُمی گزید، امت به سعادت میرسید و در مسیری که خداوند برایش تعیین کـرده بود، حرکت میکـرد. لذا جایگاه خلافت برای مسـلمانان اهمیت زیادی ناشــت و مهم ترین و بر جسته ترین رکن جامعه

باعث شد که مس

اسلامی و ستون و عمود خیمه اسلام محسوب می شد. این تفکر باعث می شد که مسلمانان بت به تصمیمــات خلافــت، واکنش های تندی نشان دهند. در این دوره بحث گناه کبیره مطرح شد که عمدتا معطوف به , فتار خلیفه بود. آموزُهای که در شکل گیری خُوارُج نقُش اساسُ ت. این تلقی از امر به معروف و نهی از منکر لمانان دحار اختلاف و انشقاق شوند بهطوری که جنگهای داخلی از سال ۳۶ هجری شروع شد و تا سال ۷۳ تداوم پیدا کرد و فرقههای مختلـف ایجاد شــد. بع . ســـلمان متوجه شــدند که اگر بخواهند امر به معروف را با همین کار کرد به پیش ببرند، اصلا خلافت اسلامی استقرار پیدا نخواهد کرد؛ لذا ... و... پدید آمد • از ویژگیهای اخلاقی علی(ع) بسیار گفته جرح و تعدیلی در رابطــه با وظایف امت در قبال

عنی فعل الهی است یا این که انسسان اختیار نامسل در اعمالسش دارد؟ قاطبت جریانهای فکری عصر امام علی (ع) و بعد از او تقدیر گرا و رب ربر جبری بودند. لیکن باز شناخت و تعریف ایشان زاین مسأله نافی حضور موثر در سرنوشت از این مس سی -اجتماعی امت نبود

آموزه دیگر، تولی و تبری است. بایداز کفار و مشر کُان تبری بُجوییُم و نســبت به امت ُو دایرُه مســلمانان تولی داشــته باشــیم. ایــن بحث از دوره پیغمبر جهتگیری روشــنی داشت. امت یکپارچه بود و نسبت به کفار تبری وجود داشت. در دوره ابوبکر و عمر نیز همین وضع بود. اما قتل عثمان كاركرد اين اصل رابه درون جامعه اسلامی کشاند. یعنی از قضا سر کنجبین صفرا فزود؛ چرا که بر مبنای مقوله گناه کبیره که از امَّهَات بُحُثهاى اين دوره اسـت، هر گاهُ خليفهُ سهها بعت ما یا دوره است، هر ناه خلیه ا مرتکب گناه کبیره و از حوزه دین خارج شـود، تولی و تبری به درون امت کشـیده می شـود و فرقه ها با هم تضادمی یابند و مرز بین کفر و اسلام به درون امت اسلامی کشــیده می شود. در این صورت، تولی و تبری که کار کرد عالی در انسجام صورت، تولی و تبری نه دار بردعایی بر است.... اســــلام داشـــت به ابزاری برای تخریـــب درونی جامعه تبدیل شد و علوی و عثمانی و خارجی

ه, غم خواست قلبے خلافت , ایذیر فت، به ان میزان که سیاس نحرافاتی کـه در دورههای قبل اتفاق افتاد که بُخشی در حُوزه شرعیات و قسمتی هم در قلمروی مسائل اجتماعی و اقتصادی بود، وجدان بیدار امام را آسوده نمی گذاشت. امام در ت از بی صداقتی مُبرا بود، چه این که حاضر نشــد خلعت خلافت ا با بذيرش عمل به سيره یخین حتی در ظاهر برتن کنــد. حال آن که عثمان بهرغم يذيرش اين فقره به سميره خود عمل کرد. ذرهای نفاق، دروغ و فریب در سیاست امام دیده نمیشود و این است که امام از دایره سم پیدانه فراتر می رود و هر چه زمان می گذرد شیعیان فراتر می رود و هر چه زمان می گذرد عظمتشان بیشتر برای امت اسلامی هویدا می شود. بی تر دید امام جایگاهی والا در همه

### بانهای اسلامی پیداکرد. • انحرافاتی که اشاره کردید، در کدام حوز مهاا تفاق افتاد؟

ایــن انحرافــات در واقــع، تبعیض، جتماعی و اقتصادی است. یعنی امام با هر گونه تبعیضی که زمینه برتری قریش و سابقون را فراهم می کـرد، مخالف بود. در جهـان بینی او ر خون، نژاد و حسب و نسب قبیلهای هیچ نقشی در بهرهوری و امتیاز بیشتر در اجتماع نداشت. امام معتقد بود که اگر کسی سبقت در دین دارد، نزد خدا گرامی تر است. ولی در تقسیم امتیازات قتصادی و اجتماعی نباید بیس مردم تبعیض قایل شد، چراکه نتیجه چنین کاری شکل گیری اشرافیتی است که کار کردمخربی در جامعه دارد. عالیٰ ترین شکل اخلاق در سیاست را می توان در کلام امام در نامهاش به مالک اشتر دید که سراسر توصيه به حُاكم در حفظ حقوق مردم است. از دید امام مردم در آفرینش یکسان و شایس نصاف، محبت و بخشــشاند. هر انــدازه امام در : مىنە مناسىبات حاكم با مردم به چشم وٌ گذشت و مراعات، توصیه های اکید می کند در نظارت بر دیوانسالاًران و لشکریان به شدت سختگیر است. کنترل و نظارت بر قدرت، جوهره این نامه است که جزو مترقی ترین دستاوردهای ین نانش سیاست در عصر مدرن محسوب می شود. • و ایس نشان دهنده اهمیت توجه به

مشار کتم دماست. مسار تت مرد ... بله و این که حاکم اسلامی .. چقدر باید به مردم و تحولات بتماعی توجه و در نظرها، عتراضها، انتقادها و دیدُگاههای آنان تامل و درُ چارچوب آن حرکت کند. ىيت شناختن مقوق افرادی کــه در آن مامعه زندگےے می کنن . بعنی همان چینزی که امسروز در قالب حقبوق شــهروندى تعريــف

مردم جاری می کند. این میزان از اعتماد به مردم و به رسمیت شناختن حقوقشان در آن عصر

## • مصلحتاندیشی در تدبیر سیاسی امام چه جایگاهی داشت؟

\_ سیره علی(ع) در برخورد با مسأله مصلحت دقیقا در چارچوب سیره پیامب را زنظر کلامی و تاریخی قابل تبیین است. مواضع این دو فر بسیار به هم شیباهت دارد. باید بدانیم که ہے۔ لحتاندیشــی چیزی خارج از دین نیس طریق اندیشه در سیره پیامبر و سیره علی(ع) درمی بابیم که ایشان مصلحتاندیشی را بخشی از دین و مصالح دینی بسرای اداره جامعه در نظر

ی ر نامعه وجود دارد که نمـود آن در نبرد احزاب و صلح حدیبیه دیده می شهود. پیامبر با کفار مکه سلح کردند و حتی پذیرفتند که نام ایشان د قرارداد با عنوان رسول خُدا آورده نشود. على(ع) نیز دقیقا همین رفتار را در حکمیت نشان داد. با وجود این که نظرش نسبت به حکمیت مثبت نبود، وقتی که دریافت کسه بر آیند جریان های سیاســی در میان اصحــاب موافق بــا حکمیت است، به این مسأله تن داد و در جایی که معاویه با آوردن اسم امیرالمومنین مخالفت کرد، امام پذیرفت و آن را به حدیبیه تشبیه کرد. در فتنه خوارج نیز الگوی امام، پیامبر بود آن جا که با وجود شناخت ایشان و خطر بزرگشان که در ئتاب و سيره گزارش شده، تا زماني که خود را از امت جدانمی کردندو خروج نمی کردند همچون دیگر مسلمانان با ایشان رفتار می کرد. همچنین بحثُ «مولفه القلوب» که یکی از آموزُههای دینی مااست، درواقع چیزی به جز مصلحت اندیشی نیست. مصلحتاندیشی در ذات دین وجود دارد

پیامبر نزدیک باشد، چراکه شبیه ترین فرد به پیامبر علی(ع) بود و از کودکی تمام

خصوصیات پیامبر راجذب کرد. دقیقا همین طور است. اشکالی که ابوذر یا عمار یا مقداد به خلف امی گرفتند، این بود که با فضيلت ترين صحابه پيامبر على است. لذا امامت بعداز پیامبر شایسته اوست.

#### شــهادت امام در چه بســتر تاریخی شکل گرفت؟

۔ شهادت, انیز باید در بستر امر به معروف و نهی از منکر و تقدیر گرایی بررسی کرد. جالب است بدانید که گفتمان سیاسی و دینی که خلفای . ... اسلامی مثل ابوبکر و عمر و عثمان پدید آوردند، در چارچوب همیس نظام تقدیر گرایی بود. خلفا سعی داشتند که کتاب خدا برای امت کفایت کند و اســـلام با آموزههای دیگر ُو اندیشههای نو عجین نشـود. یعنی میخواستند خلوص اسلام حفظ شود. وسـواس خلفا در این زمینه به حدی بود که کتابتُ حدیث رامنع کُردند. چون احتمال

داشت که سیخنان کذب به

پیغمبر منتسب و آموزههای اشــتباه وارد دین شــود. این در سیره پیامبر تدبیر · سـختگیریها باعث شـ عقلاتي در جامعه وجود دار د که جریان هایی که برداشت ناهــری از دیــن داشــتند، نقویت شوند که تقدیر گرایی ظاهــری از دیــ که نمود آن در نبر داحزاب وصلح حديبيه ديده یکی از ویژگیهای بارز این می شود. پیامبر با كفار مكه صلح كردند . ر. قدریه و شیعیان جریانهای وحتى پذيرفتند كه نام ایشان در قرارداد با عنوان ابزار نظارتی بر اعمال خلیفه رسول خدا آورده نشود. ت. امــا منطق على(ع)نيز دقيقاهمين . قبیله این نظارت را در صورت رفتار رادر حکمیت انحراف به خشن ترين شكل نشان داد یعنی قتل اعمال می کرد. • به نظر شـما کـدام ویژگی

اســت که به اعتراف دوست و دشمن، على (ع) رامتمايز مى كند؟ على(ع) در أجراى حدود الهي مسامحه نداشت. به اصول مورد قبول خود، عميقا معتقد

بودو در مور دباور هایش به هیچ قیمت حاضر بود و در مورد بورهایس بـــ هیچ هیمت حاصر به مصالحه نمی شــد. انعطافش در قالب بخشی از دین شــکل می گرفت. دین اســالام در ذات خــود، واقع گراست و به مقتضــای زمان عمل می کند و علی(ع) از همیــن در پچه به دین نگاه می کرد و به همین دلیل از خوارج و جریانهای ظاهری متمایز بود. به نظر من در کنار همه فضايلُ اُخلاقی، مساُواتطلبی، عدالت خواهی و پایبندی به سیره پیامبر در سیره علی(ع) جزو برجسته ترين موار داست.

